

نسخه تهیه شده برای تجزیه ایران توسط موسسه اسرائیلی بگین سادات برای مطالعات راهبردی

اهمیت متن پیاده شده به حدی است که برای تنویر افکار و انذهان مخاطبین گرامی بدون هرگونه دخل و تصرفی ارائه می‌گردد.

اکنون ایران را برچینید

در ایران، بیشتر اقلیت‌های غیرفارس - که تقریباً نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند - خواهان استقلال هستند و این نشان می‌دهد که ایران می‌تواند به کشورهای قومی/ملی تجزیه شود. این نتیجه و سقوط همراه با حکومت آیت‌الله‌ها، صفحه جدید و بهتری را در تاریخ بشریت باز خواهد کرد. در هفته‌های اخیر، تظاهرات گسترده‌ای در سه استان حاشیه‌ای ایران که دارای اقوام غیرفارس هستند، برگزار شده است. برجسته‌ترین آنها استان اهواز عرب‌نشین است که در سواحل خلیج فارس واقع شده است. تظاهرات گسترده‌ای در مناطق کردنشین و آذری در شمال کشور انجام شد. بحران اقتصادی ایران منجر به عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آب شده است. منطقه فارس [نشین] ایران سال‌هاست که دچار خشکسالی شدید شده است. برای رسیدگی به آن مشکل، رژیم اسلامی نهرها را از استان اهواز به منطقه فارس منحرف کرد. این امر منجر به مرگ هزاران گاو، گوسفند و بز در اهواز از تشنگی شده است. از آنجا که آن حیوانات منبع بسیاری از معیشت مردم هستند، مردم اهواز انحراف آب را یک سرقت می‌دانند.

این به‌سختی یک بی‌مهری در حق مردم اهواز است. اهالی اهواز سال‌هاست از آلودگی سمی ناشی از انتشار مواد کشنده از چاه‌های نفت و گاز و پالایشگاه‌های واقع در این منطقه رنج می‌برند. همه میادین نفت و گاز ایران در استان و همچنین بنادر نفتی که از آلاینده‌های اصلی محیط زیست هستند، واقع شده‌اند. مواد سمی ساطع شده از صنعت نفت و گاز ایران در خاک اهواز نفوذ کرده و در نتیجه میوه‌ها و سبزیجاتی را که

مردم محلی می‌خورند، آلوده می‌کند. سموم به داخل آب آشامیدنی نفوذ کرده و آب‌های خلیج [فارس] را مسموم می‌کند و ماهی‌هایی را که توسط مردم محلی مصرف می‌شود تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه قرار گرفتن در معرض مواد سمی، بخش بسیار زیادی از نوزادان در اهواز بدشکل و با نقایص شدید هنگام تولد متولد می‌شوند. گویی این کافی نیست، رژیم نیروگاه اتمی بوشهر را در اهواز [!!] تأسیس کرد که اگر یک فاجعه زیست محیطی در نتیجه نشت هسته‌ای رخ دهد، همانطور که در چرنوبیل رخ داد، این اقلیت عرب - و نه فارس‌ها - هستند که از این فاجعه آسیب خواهند دید.

اهوازی‌ها در گذشته تظاهراتی را علیه رژیم ایران برپا کرده بودند و واکنش همواره تند و دردناک بود: دستگیری‌ها و اعدام‌های گسترده، گاهی شامل اعدام بر جرثقیل در خیابان‌ها در مقابل دیدگان رهگذران. آخرین موج تظاهرات در اعتراض به مشکل آب و تشنگی آغاز شد، اما به سرعت تبدیل به یک خواسته عمومی گسترده برای آزادی اهواز از «اشغال ایران» شد. با کمال تعجب، واکنش رژیم خشن بوده است. تاکنون حدود ۲۵ نفر کشته شده‌اند، حدود ۳۷۰ نفر زخمی شده و حدود ۳۴۰۰ نفر بازداشت شده‌اند. اگر رژیم نگران نبود که کشتار غیرنظامیان فشار بر دولت بایدن را برای حفظ تحریم‌ها علیه رژیم ایران و جلوگیری از بازگشت به توافق هسته‌ای افزایش دهد، احتمالاً این تعداد بسیار بیشتر بود. در پاسخ به درخواست استقلال اهوازی‌ها، رژیم اینترنت این استان را قطع کرد. مردم منطقه اکنون باید از رویدادهای اهواز فیلم بگیرند و به مناطق دیگر سفر کنند تا تصاویر را به جهان منتقل کنند. همزمان با شروع تظاهرات در اهواز، تظاهرات در حمایت از مناطق کردنشین و آذربایجان در شمال ایران و همچنین تهران آغاز شد.

این نکته حائز اهمیت است که علی‌رغم مخالفت گسترده رژیم اسلامی با مخالفان ایرانی‌تبار، آنها با درخواست اقلیت‌های قومی برای تجزیه از ایران مخالف هستند. در واقع، هنگامی که من در جلسات با تبعیدیان ایرانی این احتمال را مطرح کردم که ایران به کشورهای قومی/ملی (فارسی، عرب، بلوچ، کرد، ترکمن و غیره) تقسیم شود، مشابه آنچه در اتحاد جماهیر شوروی، یوگسلاوی و چکسلواکی اتفاق افتاد، پاسخ آنها

همیشه کاملاً منفی بود. آنها آرزو دارند که آیت‌الله‌ها را از قدرت برکنار کنند و حتی برخی از بازگشت پسر شاه و تجدید سلطنت صحبت می‌کنند، اما آنها بدون تردید از ادامه حیات ایران در شکل کنونی آن حمایت می‌کنند. با این حال، کاملاً امکان‌پذیر است که ایران به کشورهای قومی تجزیه شود. این احتمال به‌دلیل افزایش تقاضای عمومی برای استقلال در میان اقلیت‌های غیرفارس که حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، به‌طور پیوسته در حال افزایش است. اخیراً، همکاری بیشتری بین سازمان‌های مختلف اپوزیسیون مشاهده شده است که پایان رژیم را در افق و حتی تجزیه دولت احساس می‌کنند.

تجزیه ایران احتمالاً صلح‌آمیز نخواهد بود. به احتمال زیاد به‌دلیل عدم تمایل اکثریت فارس برای از دست دادن نفت، گاز، آب و سایر منابع طبیعی موجود در قلمرو اقلیت‌های غیرفارس، بیشتر شبیه مدل یوگسلاوی خواهد بود تا مدل شوروی با این حال، فروپاشی رژیم آیت‌الله‌ها و تجزیه ایران نه تنها برای ده‌ها میلیون ایرانی که از یوغ یکی از ظالمانه‌ترین رژیم‌های جهان، به‌ویژه قومیت [فارس] کشور رهایی خواهند یافت، نعمتی خواهد بود و این تحول همچنین به براندازی ایران در سراسر خاورمیانه و جنگ‌های داخلی و بی‌ثباتی داخلی ناشی از آن پایان می‌دهد. این می‌تواند موج بین‌المللی تروریسم را که ایران در چهار دهه گذشته گسترش داده و همچنین تقلب، پولشویی و قاچاق مواد مخدر را که در آن مشغول است از بین ببرد. بنابراین جامعه بین‌المللی باید با جدیت از مبارزه اقلیت‌های قومی/ملی در ایران علیه رژیم اسلام‌گرا (و همچنین مبارزه اکثریت فارس علیه این رژیم) و تلاش‌های آنها برای برچیدن دولت ایران حمایت کند. باید فوراً هرگونه قصد بازگشت به توافق هسته‌ای یا لغو تحریم‌ها از رژیم را کنار بگذارد و در عوض منابع قابل توجهی - آشکار و پنهان، غیرنظامی و نظامی - را در کمک به اقلیت‌های ایرانی برای رهایی از چنگال ایران سرمایه‌گذاری کند.

پی نوشت: نویسنده سرهنگ دوم دکتر مردخای قیدار، پژوهشگر ارشد در مرکز مطالعات راهبردی بگین سادات است. او به‌مدت ۲۵ سال در اطلاعات نظامی ارتش

اسرائیل متخصص در سوریه، گفتمان سیاسی عرب، رسانه‌های گروهی عرب، گروه‌های اسلامی و اعراب اسرائیلی خدمت کرد و متخصص اخوان المسلمین و دیگر گروه‌های اسلام‌گرا است.

پیوند مقاله موسسه اسرائیلی بگین سادات برای مطالعات راهبردی:

<https://besacenter.org/dismantle-iran-now>

(منبع: کانال تلگرام «مرکز مطالعات خلیج فارس»)